



تدبر در قرآن و استنباط در سنت؛ دو معیار شریعت شناسی

مصطفی محقق داماد گفت: در قرآن اولین ملاک تدبر است و در حدیث و سنت استنباط؛ این دو معیار شریعت شناسی است و شریعت مبنای حقوق ماست.

مصطفی محقق داماد گفت: در قرآن اولین ملاک تدبر است و در حدیث و سنت استنباط؛ این دو معیار شریعت شناسی است و شریعت مبنای حقوق ماست.

به گزارش خبرنگار مهر، همایش «بررسی مفهوم جایگاه عقل در زندگی روزمره؛ ایران و حقوق» که در شش کارگروه تخصصی از جمله فقه، حقوق، ادبیات، فلسفه و ... از مدتها پیش برنامه ریزی شده بود، در روزهای پایانی فروردین سال جاری برگزار شد. دانشگاه صنعتی شریف، باشگاه اندیشه و انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف به عنوان برگزارکنندگان این همایش، طی سه روز ۲۸، ۲۹ و ۳۰ فروردین ماه میزبان علاقمندان به این همایش بودند.

روز دوم این همایش و در نوبت نخست، کارگروه حقوق برگزار و در ابتدا مصطفی محقق داماد استاد حوزه و دانشگاه به سخنرانی با موضوع «تعلق و تفقه» پرداخت و گفت: تفقه یعنی فهمیدن دین با عقل و به اعماق اندیشه رفتن. اوج موفقیت فقه اسلامی در برخورد با اندیشمندان در دوره طلایی اسلامی در قرنهای ۴ و ۵ بوده است. علت این اوج گیری و ظهور و بروز اندیشمندان، شاعران، دانشمندان و ... نیز نوع نگاه فقها بوده که از نگاه بسته گذشته فاصله گرفته بودند. از اینها که بگذریم، افول تاریخ اسلامی نیز ناشی از فقه بوده است، پدیده‌هایی مانند سلفی و گری، بوکوحرام و ... نگاه‌هایی فقهی به اسلام هستند. البته این موضوع فقط در اسلام نیست، در ادیان مختلف همین گونه بوده که نگاه‌های مختلف به فقه وجود داشته و باعث تفاوت در دوره‌های مختلف و حوضیض شده است.

نقد قانون جرم نیست، نقض قانون جرم است

به گفته محقق داماد، دو نوع تفقه وجود دارد؛ اول حرام کردن چیزها؛ دوم حرام نکردن آنها؛ قرآن می‌گوید: باید با تدبر و عقل، قرآن را خواند. تدبر از ریشه «دبر» است. دبر در لغت یعنی «آن سوی نگری»؛ قرآن یک پرسش مهم دارد، اینکه چرا در قرآن تدبر نمی‌کنید؟! و در نهایت «تدبر» یعنی سنجیدن آن سوی پدیده‌ها با میزان عقل.

وی در ادامه افزود: اما «سنت» چیست؟ خوانش سنت با استنباط همراه است، استنباط از ریشه «نبط» به معنی آب کشیدن از چاه خیلی عمیق است. در اصطلاح استنباط یعنی با معیار و میزان عقل، عمق چیزی را درآوردن و ریشه آن را پیدا کردن. خدا در درجه اول خدای عقل است و شریعت او بر مبنای عقل قابل پیروی است. در قرآن اولین ملاک تدبر است و در حدیث و سنت استنباط؛ این دو معیار شریعت شناسی است و شریعت مبنای حقوق ماست.

داماد یادآور شد: ملاصدرا در مقدمه جلد ششم اسفار یک حدیث قدسی در مورد عقل نقل می‌کند که: «عقل از مردم زمین را آباد می‌کند و عده از آنان با تدبر و تعقل در دین تحقیق می‌کنند، دسته دوم از گروه اول در نزد من عزیزترند».

در نهایت وی اشاره کرد: آنچه قانون می‌خواهد، چاراکه از فرآیند پیچیده فوق منتج گردیده، لذا نقد قانون جرم نیست، بل نقض قانون جرم است.

قانون با هدف تثبیت عدالت وضع شده است

در ادامه هادی وحید، عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی سخنرانی خود را تحت موضوع «عقل و نسبت آن با زندگی روزمره» ارائه کرد و گفت: زندگی روزمره ما از لحظه‌ای که بیدار می‌شویم، هر روز صبح با دغدغه‌هایی آغاز می‌شود. از سویی ما در زندگی دچار قید و بندهایی هستیم، قید و بندهایی که موضوع عقل، دین و قانون هر کدام به نوبه خود و به طور جداگانه برای ما ایجاد کرده‌اند. البته عقل بر حقوق و سایر

وی در ادامه گفت: در مسائل روزمره دو رویکرد برای انجام امور وجود دارد؛ یک اینکه در محدودیت زمان و با سرعت بالا اقدام به تصمیم‌گیری کرده و بعداً در فراغت بال و سر فرصت برای اصلاح اشکالات برنامه نخست اقدام کنیم. دوم اینکه در ابتدای امر با استفاده از عقل و سنجش تمام جوانب امور، برنامه‌ای خوب طرح‌ریزی نمائیم. روش دوم به مراتب هزینه‌های کمتری به ما تحمیل خواهد نمود.

وحید افزود: گاهی اوقات مسائلی در زندگی روزمره پیش می‌آید که از لحاظ عقلی هیچ اشکالی به آنها وارد نیست و سایر موازین با اینگونه مسائل مشکل دارند، به عنوان مثال اخذ مجوز یک کار طی روند عادی قانونی ۵ ماه طول می‌کشد و مستلزم یکصد میلیون ریال هزینه است، اما من می‌توانم با حرکت در حاشیه قانون کاری کنم که تنها با ۲۰ میلیون ریال هزینه و در مدت یک ماه به نتیجه مطلوب دست‌یابم! این اقدام با رشوه ۵ میلیونی ممکن می‌شود که حرکت کردن در حاشیه قانون است! در واقع روش دوم که حرکت در حاشیه قانون است از لحاظ عقلی کاملاً صحیح است، هرچند که از لحاظ اخلاقی صحیح نباشد.

وی یادآور شد: پرسش اینجاست که جوامع غربی چطور این مراحل بحرانی مواجهه با قانون را طی کردند؟ اینجا شاید بایستی به جای عقل از عقلانیت کمک گرفت. نظام حقوقی ۲ ابزار دارد: ابزار کنترلی و ابزار راهنمایی. مثل تابلوهای راهنمایی و رانندگی در جاده‌ها که محدودیت سرعت مشخص می‌کند و یا راجع به وجود پیچ و شیب راهنمایی می‌کند. تعامل بین دو وجه حقوق که یک وجه آن درونی است و وجه دیگرش بیرونی، اساس بازتولید شکل واقعی قانون است. این همان چیزی است که در کشورهای توسعه یافته از آن برخورداریم و نامش را عقلانیت حقوقی می‌گذاریم و حتی فرق این کشورها با هم نیز برخاسته از نوع به کارگیری این عقلانیت است.

در پایان وی تصریح کرد: «قانون با هدف تثبیت عدالت وضع شده است. قاضی است که در اینجا موقعیت عدالت را پیش می‌برد و مصلحت را تشخیص می‌دهد؛ و معنای انصاف در جوامع اروپایی نیز محیطی بوده و کشور به کشور فرق می‌کند».

در آغاز پنل فقه و اندیشه دینی، حمیدرضا شریعتمداری سخنان خود را با موضوع «نسبت عقل و اعتدال در متون دینی» آغاز نمود. وی اعتدال را میانه روی و حد واسط بین افراط و تفریط بیان نمود که از یونان به وجود آمده و در متون دینی نیز ریشه‌هایی دارد. تأکید بر متون دینی است، چرا که در حوزه فهم و عمل شاید گاهی اوقات این موضوع به چشم نیاید. از متون دینی مهمی که به مبحث عقل به طور جدی پرداخته‌اند، می‌توان به یکی از کتب اربعه به نام اصول کافی شیخ کلینی اشاره نمود که اولین باب آن «عقل و جهل» است و کتبی از جمله بحار الانوار، عوالم و ... نیز در باب‌های نخستین به مسئله عقل پرداخته‌اند.

وی افزود: عقل به عنوان راهنمای عمل مورد تأکید بوده به طوری که بی‌عملی عاقلانه بر عمل ناعاقلانه برتری دارد. یک شخص عاقل، رفتار بخردانه دارد، اما عالم الزاماً عاقل نیست، یعنی عالم مساوی عاقل نیست و ممکن است یک شخص عالم رفتار غیرحکیمانه نیز داشته باشد. اما در مورد اعتدال باید شرح داد که اعتدال همیشه به عنوان حد وسط نیست، یعنی حد وسط همیشه مطلوب اعتدال نیست، بلکه اعتدال یعنی هرچیز به جای خویش، یعنی ایثار به جای خود، محبت به جای خود و حتی بخل به جای خود، برای خانم‌ها در بعضی جاها بخل به عنوان صفت بد ذکر نشده است.

چگونگی گزینش عقل زمانه در تفقه رایج

در ادامه محمد حسین قدوسی به ارائه مطلب خود با موضوع «پرداخت و با توضیح مفاهیم فقه رایج و عقل آغاز کرد و گفت: فقه رایج ناظر به فقهی است که تریبون دارد، تبلیغات دارد، نماز جمعه برگزار می‌کند، حکومت و قدرت را در دست دارد. البته نه به معنای حکومت و قدرت سیاسی و عقل به معنی چیزی که در عرف زمانه و جامعه از آن به عقل تعبیر می‌شود. به عنوان مثال عقل زمانه در بازه‌ای از تاریخ، برده‌داری را مثل امروزه بد و ناپسند نمی‌داند؛ اما امروزه این امر ضد عقل می‌باشد و بنابراین ضد شرع نیز می‌باشد، چرا که «ما حکم به العقل، حکم به الشرع».

وی افزود: یکی از روش‌های بررسی احکام فقهی، ایراد گرفتن عقل زمانه به برخی از احکام است و فقه‌های مدافع حکم مزبور نسبت به بررسی دقیق مورد اقدام کرده و حکم را به روز می‌نمایند، به عنوان مثال می‌توان به سنگسار اشاره کرد که بسیاری از فقها این حکم را مورد تردید اساسی قرار داده‌اند. یا مثال دیگر بحثی است که استاد شهید

مرتضی مطهری در زمینه حجاب مطرح نموده است که بسیاری ایشان را تکفیر نمودند. در واقع گرچه ادله واحد هستند، اما فقیه زمانی که با بینش و های متفاوت سراغ احکام می‌رود، فتاوی مختلف نیز ارائه می‌دهد. از نظر ایشان امکان گزینش نهادینه شده و روشمند تعقل زمانه در این فقه رایج وجود ندارد و اما راه حل این است که باید نگاهی به بنیان و های فکری کرده و در صورت لزوم آنها را تغییر دهیم. یکی از مصادیق این موارد این است که انسان و نسبتش با خدا در احکام فقهی را بازبینی کنیم، در فقه رایج انسان هرچه عبدتر و مقلدتر بهتر و خداوند هرچه ارباب تر، بهتر. ریشه این تفکر کجاست؟ چرا نباید شأن اول انسان تعلیم نباشد به جای تقلید؟ چرا که در قرآن داریم «و یعلّمهم الکتاب و الحکمه»؛ یعنی آموزش اولویت دارد.

قوانین نباید خارج از ظرفیت جوامع باشند

در پایان این پنل مصطفی میراحمدی، استاد حقوق دانشگاه مفید قم مطلب خود را ارائه کرد و در آغاز سخن اقدام به بررسی جامعه حال حاضر نموده و به عنوان نخستین پرسش مطرح نمود: چه مقدار از مشکلات ما ناشی از فقه ماست؟ و اینکه چه مقدار از مشکلات ما ناشی از فقدان برخی موارد در فقه است؟ و اینکه راه حل این معضلات چیست؟

وی در مقام پاسخ از آخرین پرسش آغاز نموده و تصریح کرد: معضل روزگار ما چیست که باعث شده دور هم جمع شویم و نسبت بین فقه و عقل را بررسی کنیم؟ عدم کارایی فقه یا عقل در فقه؟ کارایی معکوس و منفی در حال حاضر؟ برای روشن شدن برخی برداشتهای و ها از فقه به یک مثال توجه فرمایید، به عنوان مثال نوجوانان و کودکان امروزی را وارد اتاقی کنیم که برخی اقلام قدیمی در آن انبار شده است، مانند الک، ترازوهای قدیمی، هاون سنگی، چرتکه و ... که امروزه دیگر کارکردی ندارند. روش و های مواجهه کودکان با این اقلام به چند روش خواهد بود.

۱- مسخره کردن یکی از روش و هاست، و این مواجهه و ای است که امروزه در فقه هم بسیار رایج است. چراکه کارکرد آن دستگاه را درک نمی‌کنند.

۲- روش دیگر عدم تمسخر و قبول موضوع بعنوان اینکه در زمان خود کارکرد داشته است.

۳- روش سوم اینکه دنبال استفاده از آن ابزار قدیمی در حال حاضر باشیم که مشکل آفرین خواهد بود، بعنوان مثال استفاده از هاون سنگی در آپارتمان!

میراحمدی تاکید کرد: مشکلات ما اکنون مسائلی مانند حقوق بشر، حقوق قضا، حقوق کودکان و ... غیره است که گاهی در فقه ما مخالف با عرف روز برخی جوامع است که به نظر عقلانی می‌رسند. البته این مسائل در بسیاری از کشورهای مسلمان وجود دارد و اختصاص به ایران ندارد. نگاه شهید دکتر بهشتی این است که این مسائل مشکل آفرین و حل آنان و اجرای آنها به عهده امام عادل و کارشناس جامعه است و نه به عهده افراد عادی جامعه. حتی بعضاً افرادی مانند آقای خوانساری اعتقاد به عدم اجرای هیچکدام از حدود در زمان غیبت دارند، در اینصورت کل معضلات مربوط به حقوق قضا و جزا برطرف می‌گردد. از طرفی بیش از ۹۰٪ قوانین و احکام اجتماعی اسلام امضایی است، یعنی قبل از اسلام در قبایل عرب وجود داشته است.

وی یادآور شد: یعنی اگر پیامبر اسلام (ص) در محل دیگری مبعوث می‌شدند و یا هزار سال بعد از آن زمان مبعوث می‌شدند، احتمالاً بسیاری از احکام فقه سنتی تغییر می‌نمود. به عنوان مثال در مورد حقوق زن، در عرب آن زمان نه تنها زن صفر نبوده، بلکه منفی بوده، یعنی نه تنها مالکیتی بر چیزی نداشته بلکه مملوک بوده، زن به ارث می‌رسیده! و پیامبر با توجه به ظرفیت جامعه درجاتی مقام و منزلت زن را افزایش داده است. قوانین امروزی هم اگر خارج از ظرفیت جامعه باشند یا مورد تمسخر قرار می‌گیرند، و یا در مواردی حتی بر ضد خود عمل می‌کنند.